

بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴

ویژگی‌های شخصیت آیت‌الله محقق خراسانی

گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین موسی دانش

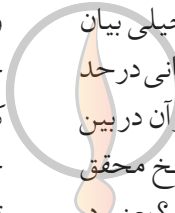
ele

اشاره: موسی دانش مترجم و پژوهشگر از پژوهشگران معاصر افغانستان، عضو گروه حدیث پژوهی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در مشهد است. وی در طی حدود سی سال فعالیت در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، تعداد هشتاد و پنج اثر شامل ویرایش، ترجمه و تألیف آثار و مقاله را در کارنامه کاری خود به ثبت رسانده است. وی از سال ۱۳۶۷ با بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی مشغول به کار شده است. طی پنج سالی که در گروه ویراستاری فعالیت داشته است، حدود چهل کتاب را ویرایش کرده است و هم‌اکنون نیز عضو گروه حدیث پژوهی این مرکز هست. ترجمه تفسیر الکاشف، در تفسیر قرآن، یکی دیگر از آثار وی است که در هشت جلد به چاپ رسیده و رتبه کشوری ایران را از آن خود کرده است. همچنین این اثر در نمایشگاه قرآنی تهران مفتخر به دریافت لوح تقدیر و جایزه شده است. همچنین برخی از این آثار به چاپ رسیده و توانسته رتبه‌هایی در سطح ولایت و کشوری را کسب کند و مفتخر به جوایز و لوح تقدیر گردد.

عبدالحمید

عزراة: جناب استاد تشکر از اینکه دعوت ما را برای این گفتگو پذیرفتید، در ابتدا اگر لطف کرده مختصری درباره خودتان بگویید.

موسی دانش: موسی دانش از طلاب منطقه هزاره جات، ولایت دایکندی هستم. در سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه نجف اشرف شدم و در آنجا مشغول تحصیل گردیدم. درس معالم و مطول را خدمت مرحوم آیت الله شیخ محمدعلی مدرس افغانی خواندم و با مرحوم آیت الله شیخ عیسی محقق خراسانی در همان سال آشنا شدم. جریان آشنایی ام نیز بدین قرار است: حضرت آیت الله حکیم به رحمت خدا رفته بود و در مسجد جامع هندی نجف اشرف مراسم گرفتند. هیئت های مختلفی می آمدند، هیئت های بزرگ که احیاناً سخنران معروفی داشتند، ضمن یک سخنرانی مختصر رحلت آیت الله حکیم را تسلیت می گفت. من اولین بار آیت الله محقق خراسانی را آنجا دیدم که به زبان عربی از سوی هیئت جامعه افغانی ها تسلیت گفت و بی نهایت سخنرانی پرشور و عالی ارائه کرد. طوری که در آن زمان در نجف اشرف در میان عرب ها دو تا خطیب خیلی معروف بود: یکی مرحوم دکتر وائلی و یکی هم شیخ حسین صغیر. شیخ حسین صغیر کسی که در آن فاتحه به هیئت ها خیرمقدم می گفت. این شیخ حسین صغیر خیلی بیان شیوای داشت؛ اما وقتی که مرحوم محقق خراسانی در حد پانزده دقیقه به زبان عربی سخنرانی کرد. بعد از آن در بین دوستان و طلاب بحث می شد که آیا آقای شیخ محقق خراسانی بیانش بهتر است یا شیخ حسین صغیر؟ یعنی در این حد عربی را فصیح و با بیان زیبا و بدون لکنت زبان صحبت می کرد.



تاسیس ۱۳۹۴

عزراة: با توجه به اینکه حضرت عالی نیز دانش آموخته حوزه علمیه نجف هستید درباره جایگاه علمی آیت الله خراسانی برای ما بگویید.

موسی دانش: مرحوم آیت الله محقق خراسانی واقعاً یک مجتهد بود، دوران حضور ایشان در نجف نیز از نظر علمی برای طلاب افغانی دوران طلایی و خاصی بود. چهره های علمی ای که ما در این دوره داریم، واقعاً

کم نظیر هستند. در این دوره آیت الله شیخ عیسی محقق خراسانی، مرحوم آیت الله شیخ آصف محسنی، مرحوم آیت الله سید سرور واعظ کابلی مرحوم آیت الله محقق کابلی، آیت الله فیاض، آیت الله محمدعلی مدرس و مرحوم آیت الله شیخ موسی بامیانی این مجموعه همه هم دوره هستند. همه شان واقعاً افراد نابغه ای هستند؛ گرچه مراتب علمی این ها ناشناخته مانده اند. بنده خودم تازه به مراتب علمی این آقایان پی برده ام. در آن زمان سنم اقتضا نمی کرد و مرحله تحصیلی ام اجازه نمی داد که مقام علمی این ها را درک کنم. الآن متوجه می شوم که این بزرگان چقدر در سطح بالای از فضیلت و دانش بودند؛ مثلاً مرحوم آیت الله مدرس کسی است که در نجف اشرف در رشته خودش بی نظیر بود. تنها استادی بود که به دلیل کثرت جمعیت پشت بلندگو تدریس می کرد. حداقل ۴۰۰ نفر پای درس ایشان حضور داشتند و خود ایشان می گفت: «شما همین آقایان که می بینید مرجع تقلید هستند. هیچ کدام این ها نیست که پیش من درس نخوانده باشد و مهر استادی من پشت همه این ها زده شده. هیچ کسی از این بزرگواران نمی تواند ادعا کند که من پیش مدرس افغانی درس نخوانده ام.»

من الآن درک می کنم که مرحوم آیت الله سید سرور واعظ مجتهد بوده، کتابی دارد تقریرات درس خارج جلد دوم کفایه الاصول، اهمیت این کتاب را الآن درک کرده ایم. همچنین آیت الله فیاض تقریرات درس آیت الله خوبی را نوشته با اینکه خیلی از شاگردان آیت الله خوبی تقریرات درس ایشان را نوشته، اما این دو تا کتاب مرجع هست. ما خیلی علمای بزرگی داریم. همچنین آیت الله شیخ آصف محسنی و مرحوم آیت الله محقق کابلی خدا رحمتشان کند.

من یادم هست که مشکلی برای طلبه های نجف پیش آمد. قرار شد تا این موضوع با سفیر افغانستان در بغداد در میان گذاشته شود. روی این جهت، چند تن از علما از جمله آیت الله مدرس افغانی و آیت الله محقق کابلی و چند تنی دیگر از علما، از جمله بنده هم چون شاگرد آیت الله مدرس بودم در بغداد رفتیم. در محوطه سفارت نشستیم بودیم که آیت الله محقق کابلی آمد.

موسی دانش: دلیل این امر همان فضایی بود که عرض کردم تا این که سال ها گذشت و آیت الله محقق کابلی مرجع تقلید شد. البته این تغییر فضا بعد از اتفاقاتی در ایران و افغانستان رخ داد؛ زمانی که انقلاب اسلامی ایران پیروز شد و خدا امام خمینی را رحمت کند، زیرا ایشان به همه علمای جرئت بخشید تا قد علم کنند و بتوانند داشته های خود را بروز بدهند. در اینجا هم بالأخره احساس نیاز شد. روی همین جهت آیت الله محقق کابلی واقعاً لیاقت مرجعیت را داشت؛ لذا در صحنه آمد و ادعای مرجعیت کرد.

پژوهنده: اگر ممکن است مقداری درباره بزرگانی که آیت الله محقق خراسانی در محضر آن ها درس خوانده است بفرمایید و اینکه گفته می شود ایشان اولین هزاره ای است که درس خارج را در نجف شروع کرد. در این باره جناب عالی چه معلوماتی دارید؟

موسی دانش: ایشان به درس های امام خمینی، همچنین به درس های آیت الله خویی و آیت الله شاهرودی شرکت می کرد؛ اما درباره درس خارج ایشان اطلاعی ندارم. تردیدی نیست که خراسانی در سطح آیت الله فیاض و دیگر مجتهدین بود. علاوه بر اجتهاد یک سری ویژگی های هم ایشان داشت که دیگران نداشتند. یکی این که نویسنده خوبی بود و آثار علمی پدید آورد. وی کسی بود که برای نخستین بار از بین علمای افغانی دست به قلم برد. در زمانی که ایشان می نوشت نه آیت الله فیاض چیزی نوشته بود نه آیت الله سید سرور واعظ. این ها بعد از ایشان دست به قلم بردند. از جمله آثاری که ایشان نوشت «المؤلفون الافغانیون المعاصرون» بود. در این کتاب نویسندگان افغانی و زندگی نامه آن ها را نوشتند. این کتاب نشان می دهد که ایشان توجه خاصی نسبت به مسائل افغانستان داشت و این مسئله در برخوردها، رفتارها و ارتباطاتش با طلاب افغانی نیز آشکار بود.

پژوهنده: آقای خراسانی از نظر علمی علاوه بر فقه و اصول در منطق و حکمت نیز دارای آثاری است در این باره اگر توضیحی دارید بفرمایید.

آیت الله مدرس بلند شد و خیلی احترام کرد. یکی از فضلاء اعتراض کرد که شما خیلی برای این آقا احترام قائل هستید، دلیلش چیست؟ آیت الله مدرس گفت: «بین این آقا کتابی نوشته که تو باید ده سال درس بخوانی تا آن را بفهمی تا چه رسد به اینکه چنین کتابی را بنویسی». منظور ایشان «شرح عروه» ای بود که آیت الله محقق کابلی نوشته بود. کسی شرح عروه می نویسد باید خیلی از درجه علمی بالای برخوردار باشد. اول باید اثبات کند که در فقه تخصص دارد.

آیت الله شیخ موسی بامیانی کتابی به نام «المفصل فی شرح المطول» دارد. کتاب «مطول» کتابی است که اگر علما آن زمان می خواست سواد خود را اثبات کند، شرح مطول می نوشت. قرار بود که ایشان در ده جلد بنویسد که البته موفق نشد و یک یا دو جلدش چاپ شد. ولی به هر حال از فضایی بزرگ حوزه علمی نجف بود. محقق خراسانی نیز از هم ردیفان همین بزرگان است و در اجتهاد ایشان هیچ تردید نیست.

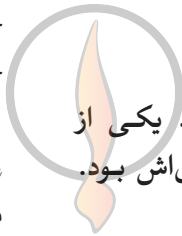
لازم می دانم نکته ای را خدمتتان عرض کنم و آن اینکه معمولاً در زندگی بعضی افراد تا اتفاق هایی نیفتد، نمی تواند استعدادش را بروز بدهد. به تعبیر دیگر گاهی از بین یک ملت باید افرادی قد علم کند و کار بزرگی را انجام دهد تا دیگران از او تقلید کنند. طلاب حوزه علمی نجف اشرف با اینکه چنین شخصیت های فاضلی داشتند؛ اما از دو چیز ترس داشتند و نمی توانستند خودشان را بروز بدهند: یکی مسئله نویسندگی بود. در بین طلاب افغانی کسی جرئت نمی کرد که دست به قلم ببرد و مقاله بنویسد؛ با اینکه سوادش را داشتند؛ ولی جرئت این کار را به خود نمی دادند. همچنین در مسئله مرجعیت، ما شخصیت های داشتیم که مجتهد جامع الشرایط بودند؛ اما به دلیل این جو و فضای حاکم جرئت نمی کردند که مثلاً بگویند ما هم مجتهدیم. آیت الله محقق خراسانی، آیت الله شیخ آصف محسنی و آیت الله سید سرور واعظ هیچ وقت ادعا نکردند ما مجتهدیم، لا اقل من نشنیده ام که در آن عصر ادعای مرجعیت کنند.

پژوهنده: چرا ادعای مرجعیت نمی کردند؟

موسوی دانش: در حوزه علمیه نجف بیشتر توجه افراد روی فقه و اصول است؛ اما ایشان تنها به فقه و اصول بسنده نکرد و با توجه به آن ذهن خلاقیتی که داشت به علوم دیگر نیز توجه داشت. در نجف معروف بود که ایشان در منطق و فلسفه ید طولایی دارد. به همین دلیل شاگردانی هم داشتند. در این جهت ایشان واقعاً نسبت به دیگران تفاوت داشت. یک جنبه دیگری که ایشان داشت، جنبه اجتماعی و مردمی ایشان بود. واقعاً با مردم مراد شده داشت و دیگر اینکه اهل منبر بود. خطابه و منبرایشان هم در سطح بالایی بود. این طوری نبود که بگوییم ایشان برای مردم عادی منبر می‌رفت، نه بلکه ایشان را حتی مراجع تقلید دعوت می‌کردند. از باب نمونه یک مورد را در این زمینه عرض کنم:

در نجف مرحوم امام خمینی در مسجد ترک‌ها درس خارج می‌گفت و ظهرها هم نماز جماعت به امامت ایشان اقامه می‌شد. در یکی از سال‌ها در ماه مبارک رمضان از آیت‌الله خراسانی دعوت کردند که بعد از نماز امام خمینی، ایشان منبر برود. با توجه به اینکه حضرت امام معمولاً پای صحبت منبر کسی نمی‌نشست، اما من به چشم خود دیدم که نماز تمام می‌شد، آیت‌الله محقق منبر می‌رفت و مرحوم امام تا آخر سخنرانی ایشان می‌نشست.

عزیزالمی: به نکته خوبی اشاره کردید. یکی از برجستگی‌های محقق خراسانی سخنوری اش بود.



بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴



حال چه چیزی باعث می‌شد تا منبرایشان مخاطب داشته باشد و مراجع بزرگ را جذب کند؟ فصاحت و بلاغت؟ محتوی علمی؟ پرداختن ایشان به مسائل روز جهان اسلام؟ بیشتر کدام جنبه برجستگی داشت؟

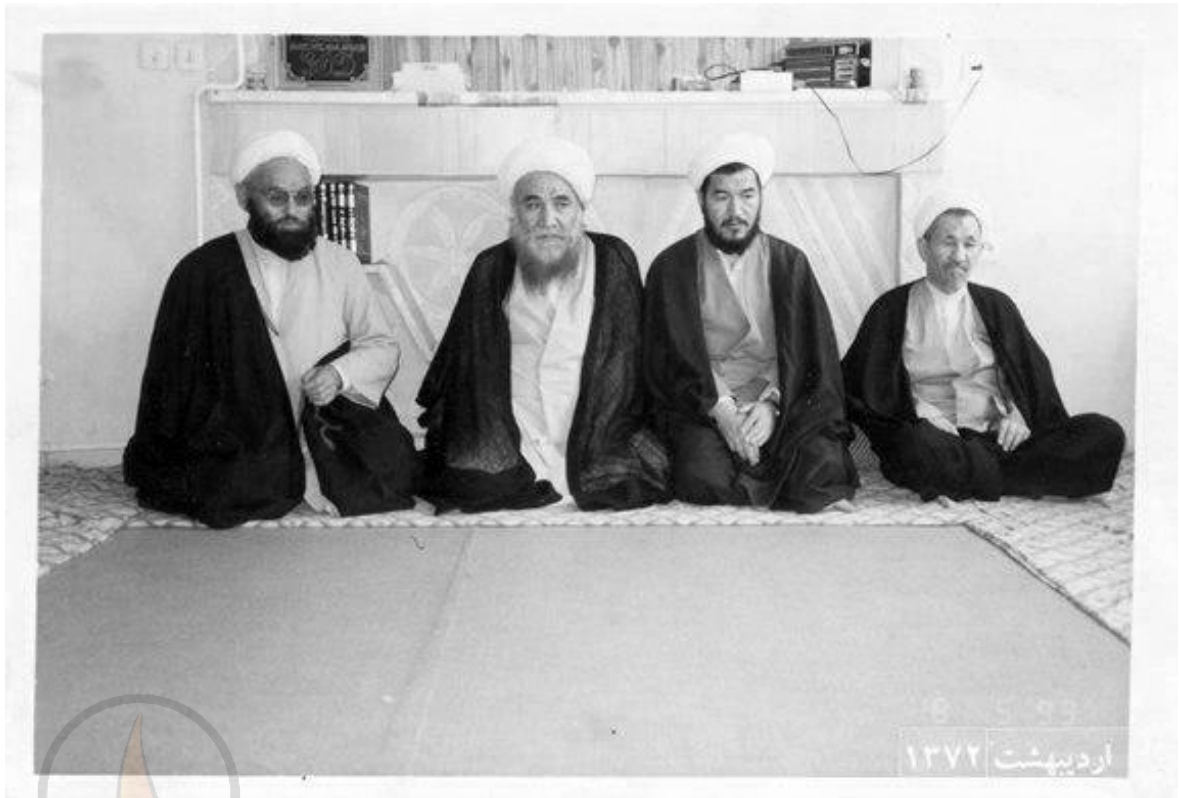
موسوی دانش: همه این ویژگی‌های که حضرت عالی اشاره کردید وجود داشت. واقعاً ایشان بیان بسیار زیبا داشت. خیلی با فصاحت و بلاغت سخن می‌گفت. دوم منبرایشان محتوا داشت، یعنی مسائل علمی بیان می‌کرد؛ چون توان علمی داشت. گاهی کسی روضه‌ای می‌خواند و مثلاً یک مرجع تقلید صرفاً به خاطر روضه ایشان می‌نشیند؛ اما ایشان این طوری نبود، بلکه ایشان روضه را با صوت نمی‌خواند. حضرت امام فقط به خاطر مطالبی که بیان می‌کرد پای منبرش می‌نشست. خراسانی به مسائل روز هم می‌پرداخت. در آن جو خفقان عراق حتی مسائل سیاسی را مطرح می‌کرد.

عزیزالمی: غیر از آن مسجدی که فرمودید آیا مراجع دیگری هم از ایشان در مجالس و مناسبت‌ها برای سخنرانی دعوت می‌کردند؟

موسوی دانش: ایشان غالباً رفت و آمدش با دفتر امام بود. ارادت خاصی به امام خمینی داشت و امام خمینی هم خیلی ایشان را قبول داشت. شاید به همین دلیل امام خمینی از ایشان به عنوان سخنران دعوت می‌کرد.

عزیزالمی: آیت‌الله خراسانی علاوه بر مقام علمی‌ای داشت مسائل اجتماعی و سیاسی را نیز تعقیب می‌کرد. جناب عالی از فعالیت‌های اجتماعی ایشان در نجف چقدر اطلاع دارید؟

موسوی دانش: ایشان فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زیادی داشت و در سخنرانی‌هایشان هم این مباحث را مطرح می‌کردند؛ به همین دلیل نیز با امام خمینی رابطه گرمی داشت. خراسانی همیشه از محرومیت‌های مردم افغانستان صحبت می‌گفت و طلبه‌ها را تشویق می‌کرد که این موضوعات را دنبال کنند. او با اینکه تبعه رسمی ایران بود؛ اما یک توجهی خاصی به افغانستان داشت. خودش را از کرمان افغانستان می‌دانست. از همین رو یکی از طلبه‌ها در نجف درباره ایشان شعری گفته بود:



کرده‌ام. این کتاب را فرستادم خدمت مقام رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان این کتاب را دید، بلافاصله دستور داد که رساله ایشان چاپ شود. این که ایشان ادعای مرجعیت کرد و وارد صحنه شد. حقیقتاً لیاقت داشت.

مسئله دیگری که عرض کنم این است که کدام افرادی باعث شد تا ایشان پا به صحنه بگذارند. اولین نقش را شهید مزاری داشت که گفت شما باید این مسئولیت را بپذیرید؛ چون علاوه بر علم و فقاہت، دردها و نیازهای این مردم را می‌توانید درک کنید. یکی هم مرحوم محقق خراسانی بود. من بارها مقام علمی آیت‌الله کابلی را از زبان آقای محقق خراسانی شنیدم و خود من را مکرر به تبلیغ در راستای مرجعیت تشویق کرد.

وقتی آیت‌الله کابلی مرجعیت خودش را اعلام کرد، بعضی از رفقا منزل ایشان می‌رفتند، از جمله من هم با برادران کتابخانه رسالت رفتیم و به عنوان نماینده یک جمع صحبت کردم. آن روز من سخن آیت‌الله مدرس را

«نه از آن کرمان که در ایران بود / تابع لعل است و در افغان بود».

پرسش: از نجف بیرون شویم. همان طور که اشاره کردید در حوزه نجف خیلی از علمای افغانی مجتهد بودند؛ اما جرئت ابراز وجود نداشتند. به نظر شما مرجعیت آیت‌الله محقق کابلی به ویژه نقش آیت‌الله خراسانی را چقدر در ایجاد اعتماد به نفس مردم ما مؤثر می‌دانید؟

موسی دانش: نخستین فردی که پا به عرصه مرجعیت گذاشت، حضرت آیت‌الله محقق کابلی بود. چون آیت‌الله محقق واقعاً شایستگی داشت. من یادم هست که یک وقت در خدمت ایشان بودم و عرض کردم که آقا ما شنیدیم که شما در چاپ رساله‌تان با مشکل مواجه بودید و وزارت ارشاد اجازه نمی‌داده رساله شما را چاپ کند. ایشان گفت: بله. در مرحله اول وزارت ارشاد به من اجازه نمی‌داد رساله را چاپ کنم. آیت‌الله کابلی کتابی به نام کتاب خمس دارد. ایشان فرمود: من در این اثر مسئله خمس را به روش علمی و استدلالی بررسی



بخوانند. اگر کسی ادعای مرجعیت می‌کند، نباید بگوید که خدای نکرده به آن مرحله نرسیده است، بلکه باید ادعا کند، چون منجر به از بین رفتن زحمات امثال آیت الله محقق می‌شود. طلاب ما طوری زحمت بکشند که واقعاً به مرحله اجتهاد برسند. دوم اینکه باید یک مقدار رعایت الاعلم فالاعلم را داشته باشند؛ یعنی تا زمانی که یک مرجع اعلمی بین افغانی‌ها هست نباید کسی که در آن مرحله نرسیده ادعای مرجعیت بکند. من فکر می‌کنم اگر این طوری بشود، این مرجعیت بالأخره تثبیت می‌شود. به این معنا که اگر طلبه افغانی و عالم افغانی که ادعای مرجعیت می‌کند، واقعاً مجتهد باشد و شایستگی‌اش را داشته باشد، این باعث می‌شود که این سطح مرجعیت از بین افغانی عبور کند و جهانی شود تا ملت‌های دیگر هم از این مرجع افغانی تقلید کنند. این را ما باید در نظر داشته باشیم.

که در بغداد گفته بود، یادآور شدم و گفتم: «حضرت آیت الله! شما در پنجاه سال پیش کتاب نوشتید و کسی مثل علامه مدرس افغانی درباره شما آن گونه تعبیر داشت. ما در مرجعیت شما تردید نداریم». علمای ما واقعاً استعداد و توانایی اجتهاد را داشتند، اما طی سال‌ها فضایی حاکم بود که کسی جرئت نمی‌کرد ابراز کند. در اینکه طلاب دست به قلم بردند، آیت الله محقق خراسانی اولین سد را شکست و دست به قلم برد و بعد از ایشان دیگران شروع کردند، امروز آثاری که از علمای نجف داریم بهترین آثار است. در بخش مرجعیت آیت الله محقق کابلی پا به صحنه گذاشت که خیلی آثار مثبت و مهمی در روحیه طلاب و ملت ما گذاشت. اگر آیت الله محقق کابلی ادعای مرجعیت نمی‌کرد؛ امروز آیت الله فیاض هم جرئت نمی‌کرد تا مرجعیتش را اعلام کند. می‌بینید امروز **الجمعة** پیشه را ما در حوزه جایگاه رفیعی دارند.

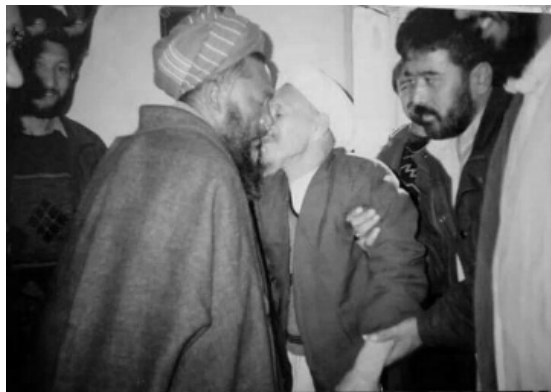
تاسیس ۱۳۹۴

عبدالرحمن: با توجه شناختی که از آیت الله خراسانی دارید از ویژگی‌های اخلاقی ایشان بگویید.

موسی دانش: آیت الله خراسانی ویژگی‌های اخلاقی بسیار خوبی داشت: یکی اینکه واقعاً متواضع بود. با آن علم و فضیلت، توانایی قلمی و بیانی که داشت، بسیار متواضع بود. وقتی افرادی هم سن و سال من خدمتش میرفتیم، از جایش بلند می‌شد. خیلی خوش برخورد و مهربان بود و واقعاً انسان از صحبت‌های ایشان لذت می‌برد. به

عبدالرحمن: جناب عالی برای تقویت نهاد مرجعیت در

حوزه‌های علمیه افغانستان چه پیشنهادی دارید؟
موسی دانش: کار آیت الله محقق کابلی برای جامعه افغانستان بی نظیر و فراموش نشدنی است. ایشان این سدی را که گفته می‌شد «افغانی نمی‌تواند مجتهد شود» شکست. راه ادامه این کار نخست این است که علما به تلاش و فعالیتشان بیفزایند و طلاب ما خوب درس



داشته باشید.

موسی دانش: هویت مردم ما یک هویت شیعی و اهل‌بیتی هست؛ به همین دلیل در افغانستان واژه هزاره تقریباً مترادف با واژه شیعه است؛ بنابراین هویت ما با مرجعیت رابطه تنگاتنگی دارد؛ یعنی وقتی که ما مرجع تقلید داشته باشیم، هویت مذهبی مان را داریم و نشان می‌دهد که ما محب اهل‌بیت و شیعه هستیم. زمانی که مرجعیت را داشته باشیم به عنوان یکی از ملل شیعی در جهان مطرح باشیم. مثل سایر ملت‌ها در همه‌جا نام ما برده خواهد شد و مؤثر خواهیم بود.

عزیزالمیمن: در پایان اگر خاطره‌ای از آیت‌الله خراسانی دارید
نام: ۱۳۹۲

که نگفته باشید؟

موسی دانش: یک خاطره از توجه خاص ایشان به ملت افغانستان دارم که واقعاً این مرد احترام قلبی به مردم خود داشت و به سرنوشت شیعه و هزاره افغانستان توجه داشت. یک وقت سه چهار نفر از طلبه‌ها در صحن حرم امام علی در نجف نشستیم بودیم. یک دفعه دیدیم که آقای محقق دوان آمد و گفت: «آقایان! بلند شوید بلند شوید یک زائر افغانی از دنیا رفته بیاید تشییع جنازه‌اش برویم». خراسانی با آن عظمت و شخصیت می‌آید و افرادی را جمع می‌کند که یک زائر افغانی فوت کرده، برویم تشییع جنازه‌اش. روحش شاد. □

نیازمندان جامعه توجه داشت. به طلاب افغانی خیلی علاقه داشت. درب خانه‌اش به روی طلاب باز بود. من خودم می‌رفتم، می‌نشستم و صحبت می‌کردم. اگر دستش می‌رسید به دیگران کمک می‌کرد. خیلی با تقوا و پارسا بود. واقعاً پاک زیست و هیچ‌گاه مسائل دنیوی ایشان را آلوده نکرد.

عزیزالمیمن: فرمودید ایشان در واقع خود را افغانی می‌گفت، یک آدم دردمند بود، دغدغه مردم خود را داشت. در این زمینه اگر ممکن است بیشتر توضیح دهید.

موسی دانش: بله ایشان واقعاً خیلی دغدغه قومی داشت و همیشه حقوق پامال شده مردمش را مطرح می‌کرد و می‌گفت تنها راه نجات ما این است که مردم ما روی پای خودش بایستد و به علما و دانشمندان خودشان متکی باشند. به همین دلیل طلاب را توصیه می‌کرد تا درس بخوانید. علوم روز را فرا بگیرید و با وحدت و ایجاد تشکل از خودتان دفاع کنید شما از دیگران کمتر نیستید. این را بارها ایشان می‌گفت و این قدر علاقه داشت که در مجالس افغانی‌ها به صورت ناشناس شرکت می‌کرد تا ببیند چه می‌گویند و چه می‌گذرد. واقعاً به احساس ملی‌گرایی خاصی رسیده بود.

عزیزالمیمن: ظاهراً درباره شهید مزاری هم خیلی تعبیرات بلندی دارد.

موسی دانش: بله وی به شهید مزاری خیلی ارادت داشت و می‌گفت: این مرد بزرگ و مجاهد باید حمایت شود. هزاره‌ها باید روی پای خودشان بایستند، تشکیلات داشته باشند و به مسائل روز آشنا باشند. همیشه می‌گفت: مردم ما باید درس بخوانند و از حقوقشان دفاع بکنند. خیلی توصیه می‌کرد.

عزیزالمیمن: این شماره عدالت و امید عنوانش «مرجعیت و هویت» است. درباره رابطه مرجعیت و هویت اگر صحبتی